

سی و سه پل یکی از آثار زیبای اصفهان

یکی از پل های زیبا و جالبی که در دوران صفویه بر روی زاینده رود احداث شد سی و سه پل است این پل در گذشته «پل جلفا» نامیده می شد (زیرا از این طریق به جلفا که تازه احداث شده بود می رسیدند). به «الله وردیخان» نیز معروف است زیرا سردار مشهور شاه عباس اول که به ساختن این پل مأمور گردید به این نام نامیده می شود.

این پل که در نوع خود شاهکاری بی نظیر از آثار دوره سلطنت شاه عباس اول است، به هزینه و نظارت سردار معروف او الله وردیخان بنا شده. این پل در حدود ۳۰۰ متر طول و ۱۴ متر عرض دارد و طویل ترین پل زاینده رود است که در سال ۱۰۰۵ هجری ساخته شده است. در دوره صفویه، مراسم جشن آبریزان یا آبپاشان ارامنه در کنار این پل صورت می گرفت. ارامنه جلفا، مراسم «خاج شویان» را نیز در محدوده همین پل برگزار می کرده اند. پل مزبور یکی از شاهکارهای معماری و پل سازی ایران و جهان محسوب می شود.

این پل در سال (۱۰۱۱ ه.ق) باهتمام الله وردیخان سپهسالار شاه عباس و بنا به فرموده شاه مزبور شروع به ساختمان گردید و به طوری که در عالم آرای عباسی نوشته شده دارای چهل چشمه (دهانه) بوده که از هر چشمه آب خارج می گردیده، پلی بسیار عریض و طویل و مرتفع، شالوده آن با سنگ و آهک ریخته شده و با آجر و گچ بالا رفته و دو طرف پل غرفات و غلام گردشهای بلند فوقانی ساخته و چشمه های زیرینش زیاد با عرض و مرتفع و طول آن ۳۵۰ قدم و عرضش بیست قدم و شش معبر باین شرح داشته است:

۱ راه وسط که مخصوص عبور سواره و گردونه ها بوده است. ۲ و ۳ طرف پل که از میان گالالریها ی زیبا می گذشت و به پیاده رو تخصیص داشت. ۴ و ۵ پشت بامهای گالاری از دو طرف که دور آن نرده داشته و موقع طغیان رود تفرجگاه باشکوهی بوده است، سرانجام گالاریهای پل به وسیله پله های ظریف بزیر پل متصل می شد و از زیر پل هم موقع کم آبی عبور می کردند. ۶ از زیر پل بود.

مساحت این پل را سیاحان انگلیسی چهارصد و نود یارد تعیین کرده اند. هفت دهانه این پل گرفته شده و اکنون ۳۳ دهانه دارد و از این رو به پل ۳۳ چشمه شهرت دارد.

این پل را بنامهای: پل شاه عباسی - پل الله وردیخان - پل جلفا - پل چهل چشمه - پل سی و سه چشمه خوانده اند و وجه تسمیه هر يك چنین است:

۱- پل شاه عباسی از آن جهت گویند که شاه عباس اول دستور بنای آن را داده است .

۲- چون بمباشرت و اهتمام الله وردیخان ساخته شده به پل الله وردیخان معروف گردیده.

۳- از لحاظ اینکه معبر مردم به جلفا بوده آن را پل جلف هم گفته اند .

۴- چون در ابتداء چهل چشمه داشته پل چهل چشمه .

۵- و اینک سی و سه چشمه دارد به پل سی و سه چشمه اشتهار دارد.

این پل برای اتصال خیابان چهار باغ کهنه عباسی به خیابان چهارباغ بالا و باغ هزار جریب و عباس آباد ساخته شده است. این پل در جشن آبریزگان و آب پاشان محل اجتماع شاه و بزرگان و شعراء و رجال و سایر مردم بوده است.

شرحی را که سرپرسی سایکس انگلیسی راجع به این پل نوشته از نظر اینکه بسیار دقیق و وضع پل را در آخر قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری مجسم می‌نماید عیناً در اینجا نقل می‌گردد:

خیابان با شکوه چهارباغ از يك طرف به پل الله وردیخان کشیده می‌شود، که با این که حالیه روی بویرانی نهاده معذا از پل های درجه اول عالم به شمار می‌آید، اینجا از يك شاهراه سنگ فرش شده وارد مدخل عمومی پل می‌شوند شکل فوق العاده و شگفت آور این پل که ۳۸۸ یارد طول آنست مقابل يك جاده سنگ فرش شده‌ای به عرض ۳۰ پا بدین قرار ایت که در آن سه معبر در سه سطح مختلف تعبیه شده که یکی از آنها راه معمولی روی پل است که در دو طرف آن طاق نماهای سرپوشیده ساخته‌اند. طاقنماها از طرفی برودخانه و از طرفی به همین جاده مشرف می‌باشند، در بالا و پائین این طاقنماها که با تابلوی نقاشی شده تزیین یافته بود هر کدام يك پیاده روهای است که با پله کانه‌ها باین راه اصلی وصل می‌شود و در کنار سطح رودخانه معبر دیگری است که به طول رودخانه امتداد می‌یابد. تنها انتقاد مخالفی که برای ساختمان این پل می‌شود کرد و آن از تصویر هم نمایان است آنکه، پل مزبور در مقابل جریان ضعیف و باریک زنده رود در بیشتر فصول سال بیش از، اندازة جنبه ظرافت دارد.

در انتهای جنوبی خیابان چهارباغ پل الله وردیخان است که به نام بانی و سازنده آن خوانده می‌شود و در همان موقعی که شاه عباس دستور کاشتن درختان چهارباغ را می‌داده رفیق و سپهسالار شاه نیز در ساختمان این پل به وسیله آجر و سنگ تراش فعالیتی به خرج می‌داد، وضعیت این پل با قدیمش تفاوت زیادی نکرده است.

ایوانچه‌ها و غرفه‌های زیبا و متناسب طرفین پل که جای نشستن اهالی و عبور و مرور است به همان حالت اولیه باقی مانده است. طول این پل ۲۹۵ متر و عرضش ۷۵/۱۳ متر می‌باشد نوشته‌اند که در ابتدا چهل چشمه داشته و به تدریج سی و سه چشمه شده در سنوات اخیر قسمت زیادی از بستر رودخانه را تصرف کرده و اشجاری غرس نموده بودند به طوری که چند چشمه پل از عبور آب محروم گشته ممکن بود بکلی متروک شود.

وی در سال ۱۳۳۰ که آقای مصطفی خان مستوفی ریاست شهرداری اصفهان را داشت شهامت و شجاعت به خرج داد و اراضی مزبور را از تصرف غاصبین خارج و مجرای عبور آب چشمه‌ها را باز کرد و اقدام به ساختمان دیوارهای سنگی در طرف شما رودخانه نموده که نوز آثارش پابرجا و عملی‌اتش زبانه‌زد مردم این شهر است. در دوره صفویه ارامنه حق داشتند تا میدانی که اول پل احداث شده بود جمع شوند و مال‌التجاره و صنایع خویش را با صنعتگران اصفهانی تبدیل نمایند و حق نداشتند از این پل عبور کرده داخل شهر شوند در جل این پل مجسمه رضا شاه کبیر بر روی ستونی بارتفاع ۵ متر دیده می‌شود که اسبی سوار و به طرف شما متوجه است اطراف این مجسمه فعلاً میدان ۲۴ اسفند و با میدان مجسمه نامیده می‌شود.

در شمال شرقی پل یعنی اول خیابانی که به طرف شرق امتداد دارد ساختمان آجری است که بیاد مقبره کمال‌الدین اسماعیل (قبرش در جهانباره است) ساخته شده و خیابان مزبور به نام آن بزرگوار نامیده می‌شود که به طرف پل جوئی و خواجو امتداد دارد.

سرپرسی سایکس انگلیسی در شرحی که راجع به پل زاینده رود نوشته بود گفته بود که این پل با اینکه روی به ویرانی نهاده از پل های درجه اول عالم است و اما تاورنیه تعصب ملی نگذاشته که در قضاوت خود انحراف نرزد، گرچه تاورنیه در کلیه موارد نظرش ساده نبود و اغلب خواسته است بناها و یدگر آثار ایران را کوچک و پست جلوه دهد و از دیگران هم استفاده کرده که در تجلیل اصفهان غلو کرده‌اند.

اینکه آرای مختلفی راجع به این پل نگاشته شد برای امکان استخراج نظر صحیح و صائب درباره آن بود و اینکه درستی و نادرستی نظرهایی چون نظر تاورنیه معلوم گردد. در هر حال اکنون این پل در اصفهان ممتاز و در درجه اول قرار دارد و چون از آثار باستانی به شمار می‌رود زیر شماره ۱۱۰، به ثبت تاریخی رسیده است.

شاه عباس اول به طوری که مورخان و سیاحان خارجی نوشته‌اند در هر حال در جشن آبریزان شرکت می‌کرد و اگر در اصفهان بود در کنار زاینده بود برابر پل سی و سه پل و اگر در مازندران بود در کنار دریای خزر، و گاهی روی پل سی و سه چشمه برگزر می‌کرد.

در کتاب زندگانی شاه عباس اول راجع به جشن نوروز که شاه در سال ۱۰۱۸ هجری در روی پل سی و سه پل برگزار کرده چنین نوشته است.

جشن نوروز غالباً از سه تا هفت شبانه روز دوام می‌یافت. گذشته از باغ نقش جهان پل الله وردی خان را نیز آئین می‌بستند و چراغان می‌کردند. و گاه به فرمان شاه عباس بر سر پل مراسم گلریزان صورت می‌گرفت، و گل‌های فراوان در راه شاه و همراهان او ریخته می‌شد. از آن جمله در سال ۱۰۱۸ با آنکه جشن فروردین مصادف با ماه محرم بود، به فرمان شاه هفت شبانه روز جشن نوروزی گرفتند و بر سر پل گلریزان کردند و چون مردم اصفهان در چراغان و آئین بندی هنر نمائی بسیار کرده بودند، شاه مبلغ پانصد تومان از مالیات آن سال را به ایشان بخشید.

میرزا علینقی کمره‌ای متخلص به نقی که از شعرای زمان بوده ماده تاریخی سروده که ابیات آن چنین است:

فلک قدر الله و یردی که قدر	ز عباس شاه اندر ایام یافت
بامداد بیگ و یردی دادگر	پلی کدر آغاز و انجام یافت
بسعی ملک سیرت آقا حسین	بخیر العمل حسن اتمام یافت
به دست زبر دست صعب امیر	چو بند امیر این بنا نام یافت
پی سال تاریخ این پل نیافت	کسی خوبتر از پل اتمام یافت

ظاهراً گفته عالم آرا اینست که پل در سال (۱۰۱۱ ه.ق) ساخته شد و گفته‌های جابر انصاری قسمتی حاکی است که در سال مزبور ساخته شده و قسمتی می‌رساند که دستور داده شده که بسازند و در قسمت نوشته که ساختن آن با سر در قیصریه مقارن بوده و حال آنکه ساختمان سر در قیصریه را از وقایع سال ۱۰۱۲ نوشته است. و هیچ اشاره بسند این گفته‌ها هم نشده است.

ماده تاریخ منسوب به نقی کمره‌ای هم حاکی است که ساختمان پل امیر در سال (۱۰۰۵ ه.ق) انجام یافته است ولی تاریخ شروع آن معلوم نیست و باید اذعان کرد که اگر منظور همان پل چهل چشمه و یا اللهوردیکان باشد محال است که در ظرف یکسال چنین پلی ساخته شده باشد و حدال باید در سال (۱۰۰۳ ه.ق) شروع شده باشد تا در (۱۰۰۵ ه.ق) به اتمام برسد.

آنچه به نظر می‌رسد این است که برای ساختمان عباس آباد مسلم است که باید ابتداء پل واسطه ساخته شود و سپس شروع به ساختمان آن طرف پل شود. تاریخ ساختمان چهارباغ یعنی اتمام آن مطابق ماده تاریخی که سروده‌اند و عالم آراء نوشته است. هزار و پنج هجری است. که با حساب حروف جمل با هزار و پنج مطابقت دارد و نیز تاریخ تگگائی که در خیابان چهارباغ طبق دسترو شاه عباس ساخته

شده سال هزار و یازده است که در تذکره نصرآبادی به نقل از تاریخ جلال منجم به شاه عباس اول منسوب شده:

و از طرفی الله وردیخان در سال (۱۰۰۴ ه.ق) از طرف شاه عباس اول به ایالت فارس منسوب گردید و در آنجا به اداره امور و تمشیت می‌پرداخت تا اینکه حکومت کهگیلویه هم بر جزوه حکومتش افزوده گردید و از مجموع این تواریخ استنباط می‌شود که شاه عباس پس از استقرار به سلطنت و پیش از اینکه مقرر خود را صافهان قرار دهد در صدد بوده که اصفهان را به پایتختی انتخاب کند و از این رو دستور داده بود که طرحهایی برای آبادی اصفهان مهیا کردن آن برای پایتختی ریخته شود و شاید اعزام الله وردیخان به فراس هم از این نظر بوده که اقدامات عمرانی اصفهان هم زیر نظر او قرار گیرد و عمدتاً باید عمران اصفهان از بعد از تاریخ اعزام الله وردیخان یعنی بعد از سال (۱۰۰۴ هجری) انجام یافته باشد و تقریباً هم همین طور است چه مطابق ماده تاریخی نقی کمره‌ای هم ساختمان پل اللهوردیخانه در سال (۱۰۰۵ ه.ق) اتمام یافته و عمران خیابان چهار باغ در (۱۰۰۵ ه.ق) و تکایا چهارباغ در (۱۰۱۱ ه.ق) و در سال (۱۰۲۵ ه.ق) تمام ساختمانهایی که از زمان شاه عباس شروع شده بوده سرانجام یافته بوده است.

و اما اینکه گفته شده در سال (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور ساختمان پل شده با تاریخ اتمام پل که (۱۰۰۵ ه.ق) باشد مغایر است، می‌توان گفت الله وردیخان ابتداء طبقه زیرین پل را برای امکان عبور و مرور ساخته بوده که در (۱۰۰۵ ه.ق) به اتمام رسیده بوده و بعد در (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور شده که پل را به اتمام برساند یعنی طبقه بالا را نیز بسازد که در موقع طغیان رودخانه هم عبور و مرور از طبقه دوم مقدور باشد و شاید طغیان رودخانه زاینده رود موجب تکمیل پل بوده است و با این فرض دیگر مغایرتی در بین نخواهد بود.

نظر دیگری هم امکان دارد و آن این است که بگوئیم پل موضوع ماده تاریخ نقی کمره‌ای در فارس بوده نه در اصفهان ولی چون در تاریخ چنین اشاره‌ای نشد ناچار باید پل موضوع ماده تاریخ نقی را همان پل سی و سه پل دانست

این بنای زیبا که با وجود مرور زمان با بزرگی و مشخصات آن سالم مانده است ارزش آن را دارد که برای دیدنش به اصفهان رفت، هر چند احتمالاً از کسی هم انتظار نمی‌رود که برای دیدن شاید باشکوه‌ترین پل جهان چنین کاری نکند.



